

خوشا به حال ماتمیان

نویسنده: مت اسمیترست

کلمات ارزشمند عیسی در خوشا به حال دوم - «خوشا به حال ماتمیان، زیرا ایشان تسلی خواهند یافت» (متی ۵: ۴) - با در نظر داشتن اشعیا ۶۱ بیان شده است. آن نبی روزی را پیش‌بینی می‌کند که خادم رنج دیده‌ی خداوند قوم به اسارت رفته‌ی خدا را تسلی دهد: «روح خداوند یهوه بر من است زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا مسکینان را بشارت دهم و مرا فرستاده تا... ماتمیان را تسلی بخشم.» (اشعیا ۶۱: ۱-۲؛ هم‌چنین رجوع کنید به ۴۰: ۱).

هفت قرن بعد، وعده‌ی اشعیا تحقق می‌یابد و کارگری روزمزد از ناصره طوماری را می‌گشاید و دعوت عمومی خویش را آغاز می‌کند (لوقا ۴: ۱۴ - ۲۱).

در اولین خوشا به حال، عیسی «مسکینان در روح» را برکت می‌دهد (متی ۵: ۳) - یعنی همان کسانی که ورشکستگی اخلاقی خویش را تصدیق می‌کنند. سپس به تفصیل مطلب می‌پردازد، زیرا ممکن است کسی ورشکستگی اخلاقی خویش را قبول داشته باشد (آیه ۳) بی آن که از بابت آن ماتم‌زده باشد (آیه ۴).

خلاف معمول و خلاف فرهنگ

با در نظر داشتن وضعیت بشر، وعده‌ی عیسی به تسلی کسانی که ماتم‌زده‌ی گناه هستند کاملاً خلاف معمول می‌نماید. با لحاظ کردن روح زمانه‌مان، چنین چیزی کاملاً ضد فرهنگی هم هست.

در جامعه‌ی غربی اواخر دوره‌ی مدرن گناه چیزی نیست که بابتش سوگواری کنند. گناه مذموم نیست. نه تنها با آن کنار می‌آیند، بلکه گرمی‌اش می‌دارند. جامعه‌ی ما بابت گناه ماتم نمی‌گیرد، بلکه برای کسانی که به خاطر گناه ماتم زده‌اند ماتم می‌گیرد.

در عین حال می‌توانیم در برابر گرایش‌های مشابه مقاومت کنیم، مگر نه؟ شکی نیست که یکی از دلایل ناتوانی در ماتم گرفتن بابت گناه این است که گناه را دست کم می‌گیریم. نزد خود می‌پنداریم گناه شتری است که تقریباً در خانه‌ی هر کسی می‌خوابد. اما گناه امر کوچکی نیست، خیانت است، طغیان علیه تاج و تخت آسمان است. هیچ یک از گناهانی که مرتکب شده‌ایم کوچک نبوده‌اند زیرا هیچ کدامشان توهین به یک خدای کوچک نبوده‌اند.

تا به آن درجه که بابت گناهان خویش سوگوار باشیم - هم از جهت فردی (مزمیر ۵۱: ۱ - ۴؛ لوقا ۱۸: ۱۳؛ رساله اول یوحنا ۱: ۹) و هم جمعی (عزرا ۹: ۴؛ مزمیر ۱۱۹: ۱۳۶؛ رساله یعقوب ۵: ۱۶) - خود را از تسلی آسمان بهره‌مند می‌کنیم. تا به آن درجه که ماتم‌زده نباشیم، خود را از آن محروم می‌سازیم.

به عمق رفتن

تصور کنید روز چهارم جولای [روز استقلال ایالات متحده] بیدار می شوید و می بینید یکی از دوستانتان این پیامک را برای شما فرستاده است: «ساعت یازده صبح بیا پیش من تا آتش بازی را تماشا کنیم». به نظرتان می آید غلط تایپی دارد. چرا؟ چون آتش بازی که در آسمان سر ظهر دیدن ندارد. هر چه آسمان تیره تر باشد نمایش جذاب تری خواهد شد. به همین ترتیب، درخشندگی فیض را می بایست در پس زمینه تاریکی گناه قرار داد. توماس واتسون که یکی از پیوریتن ها بود می گوید: «تا گناه تلخ نباشد مسیح شیرین نخواهد بود».

دنیا ماتم زدگی بابت گناه را واپسگرایانه و تنگ نظرانه می داند؛ اما برای مسیحیان مسیر شادمانی همین است. پیامدهای این امر را تصور کنید. اگر متی ۵: ۴ درست باشد – اگر عیسی واقعاً توبه را با تسلی پاداش دهد و نه با لعنت – آنگاه دیگر لازم نیست از دیده شدن بترسید. دیگر لازم نیست نسخه ای رتوش شده از خودتان به سایر گناهکاران نجات یافته عرضه کنید. دیگر لازم نیست از بررسی قلبتان و کاوش در عمق بیماریتان وحشت داشته باشید. اگر کنکاش در گناه باعث شود به عمق برکه برسید، کنکاش در رحمت باعث خواهد شد به عمق اقیانوس برسید. در آن پایین نه سیاه چاله، بلکه سنگی سفت و محکم در انتظارتان خواهد بود.

نجات دهنده ی زخم دیده

در تحلیل نهایی، موعظه ی سر کوه را نمی توان از واعظش جدا دانست. عیسی در دورانی که جسم داشت دعاهای بسیار کرد، اما هیچ گاه در دعاهایش اعتراف نکرد. چنین کاری لازم نبود. او بابت گناهان بسیاری ماتم داشت، ولی هرگز بابت گناه خویش ماتم زده نبود، زیرا هیچ گناهی نداشت.

سرانجام، تسلی ما ریشه در این واقعیت دارد که عیسی نه فقط بابت گناه غم داشت بلکه بر آن غلبه کرد. او ما را دعوت به این بینش روحانی می کند – این پادشاهی متفاوت – و سپس به جای ما می میرد تا ما بتوانیم وارد آن پادشاهی شویم.

باشد که خداوند قلوب ما را نرم کند تا برای ورشکستگی اخلاقی خویش ماتم بگیریم و سپس قدر فیض تسلی بخشش را بیشتر بدانیم.

مت اسمیترست (@MattSmethurst) شیخ کلیسای بپتیست ترد اونیو در لوئیسویل، کنتاکی، است. از او آثاری چون *1-2 Thessalonians*، از مجموعه ی آشنایی با کتاب مقدس کراسوی، و *Before You Open Your Bible* منتشر شده است.

این مقاله در مجله تیبل تاک منتشر شده است.